

# قتل دایی فرهاد ؛ پرونده ای که بسته خواهد شد

29 مهر 1404

**مرد جوانی که به همراه مادرزنش و دوست خود در پرونده قتل دایی همسرش پای میز محاکمه ایستاده بودند در دادگاه منکر اتهاماتشان شدند.**

اواخر سال 1401 گزارش مرگ مرد جوانی به نام فرهاد در بیمارستانی در شهر بهارستان به پلیس اعلام شد. پس از حضور مأموران در محل و بررسی‌های اولیه مشخص شد که وی با شلیک گلوله به قتل رسیده است.

فرشید برادر مقتول که در زمان قتل همراه او بود و وی را به بیمارستان منتقل کرده بود به مأموران گفت: «ساعتی قبل من و فرهاد تصمیم گرفته بودیم که خواهرم نسرين و دخترش مریم را که معتاد به مواد مخدر هستند به کمپ ترک اعتیاد ببریم. ابتدا به خانه خواهرم رفتیم و او را به زور سوار ماشین کردیم، بعد فهمیدیم دخترش در پارک است و به سراغش رفتیم، در حال جست‌وجوی خواهرزاده‌ام بودیم که به یکباره گلوله‌ای شلیک شد و به برادرم اصابت کرد و وقتی به بیمارستان رسیدیم فوت کرد. برادرم در مسیر بیمارستان گفت که شوهر مریم به او شلیک کرده است. او از مدت‌ها قبل با فرهاد اختلاف داشت.»

پس از اظهارات برادر مقتول، مأموران به تحقیقات بیشتر پرداختند و دریافتند، در روز حادثه داماد خانواده به نام نوید با یکی از دوستانش به نام شهاب در نزدیکی محل حادثه بوده است. سپس مأموران به سراغ شاهدان رفتند و برخی از آنها گفتند که شهاب عامل شلیک به فرهاد بوده است.

به این ترتیب نوید و شهاب بازداشت شدند، اما ادعا کردند نقشی در قتل فرهاد نداشته‌اند. در بررسی‌های بعدی مشخص شد که مقتول فرد خوش‌نامی نبوده و از مدت‌ها قبل به خواهر و خواهرزاده‌اش زور می‌گفته و برایشان مزاحمت ایجاد می‌کرده است.

در این میان تصاویر دوربین‌های مداربسته محل جرم هم به اندازه‌ای واضح نبود که قضات بتوانند بر اساس آن متهم را شناسایی کنند.

به همین علت پرونده از سوی قضات به مرکز تشخیص هویت بازگردانده شد تا آنها براساس مستندات علمی و پلیسی، متهم اصلی را به دادگاه معرفی کنند.

با تکمیل تحقیقات برای شهاب به اتهام مباشرت در قتل و برای نوید و نسرين به اتهام معاونت در قتل کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه 4 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

## در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای این جلسه اولیای دم برای عامل قتل درخواست قصاص کردند.

پس از آن شهاب به عنوان متهم ردیف اول به جایگاه رفت و گفت: «روز حادثه من و نوید با هم بودیم اما من رفته بودم تا برای جابه‌جایی و جمع کردن وسایل خانه‌اش به او کمک کنم. نوید می‌خواست با همسرش به مسافرت برود. درباره شلیک هم باید بگویم کارشناسان اعلام کرده‌اند که گلوله از سمت راننده شلیک شده در حالی که من سمت شاگرد بودم.»

پس از آن نوید به جایگاه رفت و گفت: «من نقشی در قتل فرهاد نداشتم. اما لازم است به این موضوع اشاره کنم که نه همسر و نه مادرش هیچ‌کدام معتاد نیستند که بخواهند آنها را به کمپ ببرند. با اینکه فرهاد با افراد زیادی درگیر بود و دشمنان زیادی داشت.»

در ادامه خواهر مقتول به جایگاه رفت و گفت: «همان‌طوری که دامادم اشاره کرد نه من و نه دخترم معتاد نیستیم. برادرم ما را انیت می‌کرد و آن روز هم دخترم از ترس دایی‌اش به پارک رفته بود تا از دستش فرار کند. دخترم از فرهاد می‌ترسید.»

با پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

**کامران علمدهی**